

## فروپاشی مرزهای ملی

(ترجمه)

به خوبی می‌دانیم که بازگشت خلافت منجر به حذف مرزهای ملی تحمیلی بر امت اسلامی خواهد شد. دانسته‌ایم که زیستن به عنوان یک امت واحد زیر لوای یک نظام اسلامی واجب است؛ امری که در خلافت نخستین محقق شده بود. اما همواره این پرسش مطرح بوده است: چگونه این امر دوباره ممکن خواهد شد؟

پس از یک قرن زندگی تحت سلطه سرمایه‌داری و پذیرش این دروغ که مرزهای ملی به نفع ما شکل گرفته‌اند، اکنون زمان آن رسیده که این باور را زیر سؤال ببریم. غرب و عواملش به ما القا کردند که تنها راه آزادی، ایجاد دولت‌های ملی است که در آن قدرت "از مردم، برای مردم و به دست مردم" باشد. این هدف به قدری بر افکار ما غلبه کرد که مردم سرزمین‌های مستعمره در قرن بیستم برای آن جنگیدند و آن را هدف نهایی خود دانستند. هرکس که این دیدگاه را نپذیرفت، برچسب افراط‌گرا و خطرناک خورد.

باور کردیم و جنگیدیم. جنبش‌های استقلال در سراسر جهان به راه افتادند. بسیاری از جان‌ها فدا شدند تا از استعمار، بهره‌کشی و رنج رها شویم. در همین حال، حاکمان سرزمین‌های اسلامی با تلفیق اسلام و ملی‌گرایی، ما را قانع کردند که این دو یکی هستند.

ما این موضوع را تصدیق کردیم، با وجود این که تصمیمات مشکوکی را که حکام ما و نظام بین‌المللی اتخاذ کردند مشاهده کردیم؛ تصمیماتی که هدفشان آزادی ما نبود؛ بلکه بهره‌کشی از ما و نگهداشتن ما تحت کنترل امریکا و عوامل آن بود. تصمیماتی نظیر اشغال عراق و افغانستان، وام‌های بهره‌محور استثماری که توسط صندوق بین‌المللی پول و دیگر مؤسسات بین‌المللی ارائه شد و همچنین جنگ‌هایی مانند جنگ‌های یمن، میانمار و سودان. این‌ها تنها نمونه‌ای از این موارد هستند و به این‌ها محدود نمی‌شوند.

اما غزه همه چیز را تغییر داد. به لطف الله سبحانه و تعالی و فداکاری‌های مردم فلسطین، حقیقت آشکار شد. امروز به وضوح می‌بینیم که چگونه مرزهای ملی و تقسیم سرزمین‌های اسلامی، راه را برای ایجاد رژیم یهود و جنایات وحشیانه علیه مردم فلسطین هموار کرد. امروز درک کرده‌ایم که این مرزها مسلمانان را از هم جدا کرد و دشمنان اسلام را قادر ساخت تا سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" را بر ما تحمیل کنند.

به ما گفته بودند که وحدت امت اسلامی غیرممکن است؛ زیرا ما اختلافات زیادی داریم، از جمله شیعه و سنی یا تفاوت‌های ملی. اما حوادث پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ م این دروغ‌ها را رد کرد. مسلمانان از سراسر جهان برای فلسطین یک‌صدا شدند. اختلافات کنار گذاشته شد و تمرکز بر یافتن راه‌حلی برای رنج‌های مردم غزه بود. به سرعت فهمیدیم که طرح "دو دولت" هیچ‌گاه پایان‌بخش مشکلات فلسطین نخواهد بود و تنها راه حل، جهاد است.

در همین راستا، مجاهدان سوریه گامی تاریخی برداشتند و رژیم بشار اسد، این دیکتاتور حامی غرب را سرنگون کردند. اکنون برخی از آن‌ها نه تنها خواستار نصرت غزه؛ بلکه خواستار برپایی دولت خلافت شده‌اند. آیا وظیفه ما به عنوان مسلمانان این نیست که این ندای وحدت‌بخش را پاسخ دهیم؟ آیا نباید از ارتش‌های خود بخواهیم به این دعوت لبیک گویند و از تفرقه‌افکنی‌های ملی‌گرایانه پرهیز کنیم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به روشنی فرمودند:

«لَيْسَ مِنْ دَعَا إِلَى عَصَبِيَّةٍ، وَلَيْسَ مِنْ قَاتِلِ عَلَى عَصَبِيَّةٍ، وَلَيْسَ مِنْ مَاتَ عَلَى عَصَبِيَّةٍ» (سنن ابی داود)

ترجمه: هر که به عصبیت دعوت کند، از ما نیست! هر که برای عصبیت بجنگد، از ما نیست و هر که بر عصبیت بمیرد، از ما نیست!

همچنین درباره عصبیت فرمودند:

«دَعُوها فَإِنَّها مُتَنَبِّئَةٌ» (رواه البخاري ومسلم)

ترجمه: ره‌ایش کنید؛ زیرا آن متعفن است.

غرب و عوامل آن تلاش‌های خود را برای فریب، پراکنده‌سازی و تجزیه ما دوچندان خواهند کرد، هرگاه نشانه‌هایی از بازگشت اسلام ببینند؛ زیرا آنان به خوبی می‌دانند بازگشت اسلام چه تهدیدی برای نفوذ و قدرت‌شان ایجاد می‌کند. می‌توانیم ببینیم که آمریکا چگونه فوراً به اتفاقات سوریه واکنش نشان داد. اظهارات و جلسات‌شان با حکام خاورمیانه به وضوح نشان می‌دهد که آنان در تلاش هستند تا مطمئن شوند هیچ حمایتی از انقلاب‌گران سوریه، دعوت آنان به جهاد و تلاش برای برپایی خلافت صورت نگیرد.

با در نظر گرفتن این موضوع، شاید برخی از ما پرسند؛ اگر تلاش برای برپایی خلافت و اعزام سپاه مسلمانان به غزه موفق نشود، چه خواهد شد؟ پاسخ اینست که ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم این بار موفق خواهیم شد؛ اما آیا مکلفیت ما نیست که تلاش کنیم و برای تحقق این هدف والا بکوشیم و به یاد آوریم که نتایج در دست الله سبحانه و تعالی است؟

﴿وَإِذْ يُمَكِّرُكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِئُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَبِيرُ الْمُنْكَرِينَ﴾ [انفال: 30]

ترجمه: و (به یاد آور) زمانی که کافران برای (حبس کردن) تو نقشه کشیدند یا این که تو را بکشند یا تو را بیرون کنند و آنان نقشه می‌کشیدند و الله (هم) نقشه می‌کشید و الله بهترین نقشه‌کش‌شان است.

آیا نباید از پیامبر صلی الله علیه و سلم پیروی کنیم و مکلفیت که در کارکردن برای زندگی تحت حکومت اسلامی و رد گزینه‌های دیگر بر عهده ماست، ادا کنیم؟ همان‌طور که دیدیم، پیامبر صلی الله علیه و سلم پیشنهاد قریش را برای ادامه حکمرانی آنان همراه با حکومت اسلام رد کرد، زمانی که فرمودند:

«لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسَ فِي يَمِينِي، وَالْقَمَرَ فِي يَسَارِي عَلَى أَنْ أَتْرَكَ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يُظَاهِرَهُ اللَّهُ، أَوْ أَهْلِكَ فِيهِ، مَا تَرَكْتُهُ»

ترجمه: اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من بگذارند تا از این امر دست بردارم، هرگز دست بر نمی‌دارم؛ مگر این که الله آن را آشکار سازد، یا در این راه جان دهم.

آیا نباید به این مکلفیت بزرگ لبیک بگوییم تا در روز قیامت؛ زمانی که مردم غزه عدالت می‌خواهند سر بلند کنیم و بگوییم: آری، شما را فراموش نکردیم؛ برای شما جنگیدیم و دروغ‌هایی که پس از فداکاری‌های شما به ما خورانده شد، باور نکردیم.

برگرفته از شماره 529 جریده الرایه

نویسنده: استاد فاطمه مصعب

مترجم: محمد مزمل